مطالعات ترجمه، زمستان ۱۴۰۴، سال ۲۳، شمارهٔ ۹۲، صص. ۲۳-۷: مقالهٔ علمی پژوهشی
DOR: https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350212.1404.23.4.1.7

بررسی ترجمهٔ عناصر فرهنگی در ادبیات کودک: مطالعهٔ موردی رمان چارلی و کارخانهٔ شکلات‌سازی[۱]

محبوبه مرشدیان[۲] و فاطمه عبدالوهابی[۳]

چکیده

این تحقیق براساس راهبردها (جایگزینی و حفظ) و تکنیک‌های آیکسلا، ترجمهٔ عناصر فرهنگی را در رمان «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» بررسی کرد. هدف پاسخ به این سؤال بود که آیا ترجیح بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک، در این بافت هم صادق است. بدین‌منظور ۳۰۰ عنصر فرهنگی در رمان و معادل‌های آن‌ها در ترجمهٔ جعفری جوزانی براساس دسته‌بندی نیومارک هدفمند شناسایی، اسامی خاص نیز طبق نظر آیکسلا جزء آنها گنجانده، و از این تعداد، ۱۳۵ عنصر فرهنگی تصادفاً انتخاب و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که در ترجمهٔ کل داده‌ها، به‌ترتیب تکنیکهای ترجمهٔ زبانی، مترادف‌سازی و طبیعی‌سازی پرکاربرد بوده، اما شرح برون‌متنی، جهانی‌سازی مطلق به‌ندرت به‌کاررفته و تکرار استفاده نشده بود. همچنین ترجمهٔ زبانی، با بیشترین استفاده در فرهنگ مادی، پرکاربردترین تکنیک در اکثر دسته‌های عناصر فرهنگی بود و کمترین استفاده را تکنیکهای جهانی‌سازی مطلق و شرح برون‌متنی داشتتند. بدین ترتیب، مشخص شد که برخلاف باور رایج دربارهٔ جایگزنی فرهنگی و بومی‌سازی در ترجمهٔ ادبیات کودک، مترجم به راهبرد حفظ متمایل بوده و درصورت ضرورت و بسته به نوع عنصر فرهنگی، به راهبرد جایگزینی متوسّل شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند به مترجمان کمک کند تا در ترجمهٔ عناصر فرهنگی ادبیات کودک، راهبردها و تکنیک‌های مناسب را انتخاب کنند.

واژه‌های راهنما: ادبیات کودک، بومی‌سازی، بیگانه‌سازی، تکنیک ترجمه، راهبرد جایگزینی، راهبرد حفظ، عناصر فرهنگی

---

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ به تصویب رسید.

۲. نویسندهٔ مسئول: استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر، قم، ایران؛ پست الکترونیک: m.morshedian@tolouemehr.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان انگلیسی، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر، قم، ایران؛ پست الکترونیک: f.abdolvahabi1403@gmail.com

۱. مقدمه

در ترجمهٔ ادبیات، این پرسش وجود دارد که مترجمان هنگام مواجهه با مفاهیم فرهنگی که ریشه در زبان و جامعه مقصد ندارند، از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند؟ به‌ویژه زمانی که مخاطب، کودک است و سطح درک او با بزرگسالان متفاوت، انتخاب رویکرد ترجمه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اندرسون[1] (۲۰۰۶) ادبیات کودک را کتاب‌هایی می‌داند که برای کودکان نوشته شده است اما بسیاری از کتاب‌های کلاسیک نیز که برای بزرگسالان نوشته شده‌اند، ادبیات کودک محسوب می‌شوند مانند «ماجراهای هاکلبری فین». ازسوی‌دیگر، بزرگسالان نیز برخی از آثار داستانی نوشته یا عرضه‌شده برای کودکان را می‌خوانند. علاوه‌براین، از نگاه نولز و مالمکجیر[2] (۱۹۶۶)، ادبیات کودک شامل هر رمان یا داستانی است که برای کودکان و نوجوانان نوشته یا منتشر شده باشد.

ادبیات کودک نه‌تنها کودکان را سرگرم بلکه آن‌ها را با فرهنگ‌های مختلف آشنا می‌کند (کولیسیچ[3]، ۲۰۲۲) و همان‌گونه که نورتون و نورتون[4] (۲۰۱۰) بیان می‌دارند، ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرهنگ خود و فرهنگ‌های دیگر برای رشد اجتماعی و فردی ضروری است. آنها همچنین تأکید می‌کند که مطالعهٔ ادبیات کودک به کودکان فرصت می‌دهد با آن ارتباط برقرار کرده، واکنش نشان داده و دیدگاههای خود را شکل دهند (نورتون و نورتون،۲۰۱۰). درنتیجه، این امر می‌تواند به درک عمیق‌تری از ادبیات منجر شود. بنابراین، ادبیات کودک نقش بسزایی در پرورش هوش هیجانی کودکان دارد. به نظر آنان، ادبیات کودک زبانی سرشار از احساسات دارد که موجب تأثیرگذاری بیشتر آن می‌شود و حاوی لحظات مهمی است که در آن شخصیت‌ها تصمیمات اخلاقی می‌گیرند و دلایل آن‌ها را بررسی می‌کنند (نورتون و نورتون،۲۰۱۰).

ازسوی‌دیگر، به نظر می‌رسد مترجمان در ترجمهٔ آثار کودک آزادی بیشتری دارند زیرا محتوای متون را با آنچه برای کودکان در فرهنگ هدف مناسب است، منطبق می‌کنند. درکل، هنجارهای فرهنگ مقصد بر راهبردهای ترجمهٔ مترجمان تأثیر گذاشته و آنها را محدود می‌کند

---

1. Anderson
2. Knowles and Malmkjær
3. Kulisic
4. Norton

(فرانک[1]، ۲۰۰۷). به نظر اویتینن[2] (۲۰۰۰) و لاتی[3] (۲۰۱۶) نیز، ترجمهٔ ادبیات کودک نیازمند توجه خاص به مخاطب کودک است و یکی از پیامدهای این رویکرد مخاطب‌محور، چه‌بسا ترجیح جایگزینی فرهنگی و بومی‌سازی (ونوتی،[4] ۱۹۹۵) باشد. این دیدگاه با یافته‌های تجربی پژوهش‌ها (برای مثال، بهرمند، ۲۰۲۰؛ چاجی، ۲۰۱۳؛ و عابد، ۲۰۱۷) نیز همسوست. باوجود مطالعات موجود در این زمینه، بررسی ترجمهٔ عبارات فرهنگی در ادبیات کودک یک ضرورت تلقی می‌شود زیرا به‌جاست این رویکرد در بافتی جدید نیز محک بخورد.

یکی از رمان‌های کودکان، «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» نوشته دال[5] (۱۹۶۴) است که در زمرهٔ مشهورترین و محبوب‌ترین آثار ادبی کودکان بوده و به خاطر داستان جذاب و شخصیت‌های منحصربه‌فردش معروف است. رمان مذکور به دلیل داشتن عناصر فانتزی و طنز بدیع، اهمیت ویژه‌ای در ادبیات کودک دارد. به همین جهت با استناد به دسته‌بندی نیومارک[6] (۱۹۸۸) از عناصر فرهنگی، تحقیق حاضر درصدد است فراوانی و راهبردها (حفظ و جایگزینی) و تکنیکهای ترجمهٔ مدل آیکسلا[7] (۱۹۹۶) را در عناصر فرهنگی مشخص کند. هدف پژوهش، بررسی این است که آیا غلبهٔ بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک، در این بافت هم صدق می‌کند. بنابراین، این تحقیق درپی پاسخ به این پرسش است:

۱. براساس مدل آیکسلا (۱۹۹۶)، مترجم در ترجمهٔ عناصر فرهنگی بیشتر به راهبرد حفظ گرایش داشته یا جایگزینی، و این گرایش از طریق چه تکنیک‌هایی و با چه فراوانی‌ای در عناصر فرهنگی تحقق یافته است؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

برخی از پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ ترجمهٔ ادبیات کودک به فارسی که حاکی از تلاش

---

1. Frank
2. Oittinen
3. Lathy
4. Venuti
5. Dahl
6. Newmark
7. Aixela

مترجمان برای بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی این آثار بودند، از این قرارند: فخرزاد (۲۰۱۱) بررسی کرد که مترجمان برای ترجمهٔ (دوبله و زیرنویس فارسی) عناصر فرهنگی در پویانمایی‌های کودکان چه راهبردهایی اتخاذ کرده‌اند. وی از تعریف آیکسلا (۱۹۹۶) برای تحلیل ترجمهٔ عناصر فرهنگی استفاده کرد و نتایج نشان داد که در زیرنویس‌ها، راهبرد حفظ بیشتر از جایگزینی و در دوبله، راهبرد حفظ کمتر از جایگزینی استفاده شده بود. زورقی‌میر (۲۰۱۴) به شناسایی و تحلیل تکنیک‌های به‌کار رفته در ترجمهٔ فارسی نام‌آواهای انگلیسی در سه کتاب کودکانه پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که براساس دسته‌بندی مولینا و آلبیر[1] (۲۰۰۲)، تکنیک‌های «معادل جاافتاده درمیان مردم»، «تعمیم»، «وام‌گیری»، و «حذف» رایج‌ترین شیوه‌ها در ترجمهٔ نام‌آواها بودند.

بهرمند (۲۰۲۰) نیز با هدف شناسایی راهبردهای ترجمه فارسی به-کاررفته در کتاب whatever after، براساس مدل کلینگبرگ (۱۹۸۶) پژوهشی انجام و نتایج آن نشان داد که راهبرد «جایگزینی» پرتکرارترین راهبرد در ترجمهٔ رمان مذکور است. دیگر پژوهش متعلق به چاجی (۲۰۱۳) است که برپایهٔ مدل کلینگبرگ (۱۹۸۶)، به بررسی نقش اقتباس در ترجمهٔ فارسی آثار شل سیلوراستاین پرداخت. یافته‌های وی نشان دادند که در ترجمهٔ ۶۷/۶٪ از عناصر فرهنگی و ۲۱/۹٪ از اسامی خاص، اقتباس صورت گرفته است. وی نتیجه گرفت که اقتباس نقشی برجسته در ادبیات کودک دارد.

حیدری سورشجانی (۲۰۱۴) به دنبال شناسایی محدودیت‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی بود که بر راهبردهای ترجمهٔ رمان کودک تأثیرگذارند. بدین منظور، ترجمهٔ نجف‌خانی و طهماسبی از سه رمان دال ازجمله «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» انتخاب و نمونه‌ها براساس چهارچوب باستین[2] (۲۰۰۵) جمع‌آوری و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که کفایت فرهنگی و آفرینش بیشتر از سایر موارد در ترجمه‌ها به‌کار رفته‌اند تا متن با دیدگاه والدین سازگار شود.

در همین راستا، خالقی زواره (۲۰۲۱) با استفاده از طبقه‌بندی عناصر فرهنگی نیومارک (۱۹۸۸) و الگوی ترجمهٔ وینه و داربلنه[3] (۱۹۹۵) به تحلیل عناصر فرهنگی در سه ترجمهٔ فارسی از اثر ادبی کودکانهٔ «باغ» پرداخت. نتایج به‌دست آمده نشان داد که راهبرد معادل‌سازی (بازآفرینی موقعیت متن مبدأ با استفاده از واژه‌هایی کاملاً متفاوت درعین حفظ موقعیتِ مدنظر متن مبدأ)،

---

1. Molina & Albir
2. Bastin
3. Vinay and Darbelnet

پرکاربردترین راهبرد بود تا متن ترجمه‌شده را برای خوانندگان روان، قابل‌درک‌تر و ملموس‌تر سازند.

دیگر مطالعه که نمایانگر گرایش به تطبیق ادبیات کودک با فرهنگ مقصد است به بررسی راهبردهای نحوی، معنایی و کاربردشناسی (چسترمن،[1] ۱۹۹۷) در ترجمهٔ ادبیات کودکان به فارسی پرداخته است (طاهری، ۲۰۲۰). بدین منظور، سه اثر دال ازجمله «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» انتخاب و رابطهٔ میان پرکاربردترین راهبردها در سطوح نحوی، معنایی و کاربردشناسی با نظریه‌ی اسکوپوس بررسی شد. نتایج نشان داد که پرکاربردترین راهبرد در سطح نحوی جابه‌جایی واحد زبانی، در سطح معنایی تغییر توزیع معنایی و در سطح کاربردشناسی افزایش صراحت بود. به‌عبارتی، مترجمان تلاش کرده بودند ترجمه‌ای روان و قابل‌فهم برای کودکان ارائه دهند.

کریم‌نیا و حیدری قشلاق (۲۰۲۰) به بررسی راهبردهای مورداستفاده در ترجمهٔ نجف‌خانی و طهماسبی از عناصر فرهنگی در دو ترجمهٔ فارسی از «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی»، براساس مدل نیومارک (۱۹۸۸) پرداختند. راهبرد معادل فرهنگی و پس از آن ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه جاافتاده در میان مردم بیشترین کاربرد را داشتند. الیاسوند (۲۰۱۷) دیگر پژوهشگری است که از مدل اول وادینگتون[2] (۲۰۰۱) برای ارزیابی کیفیت ترجمهٔ طهماسبی از «چارلی وکارخانه شکلات‌سازی» استفاده کرد و نتایج وی نشان داد که ترجمه بسیار از مقصود متن اصلی دور بود، او مفهوم وفاداری را کاملاً نادیده گرفته و ترجمه‌ای آزاد ارائه داده بود.

عابد (۲۰۱۷) ترجمهٔ عناصر فرهنگی را در رمانی دیگر از دال بررسی کرد تا میزان وفاداری مترجم در برگردان عناصر فرهنگی و برخورد او با قلمرو گفتمان را بسنجد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که قلمرو گفتمان در چندین مورد تغییر کرده است؛ عمدتاً زمانی که مترجم از راهبرد بومی‌سازی استفاده کرده بود. و نهایتاً صفاری (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی ترجمهٔ عناصر فرهنگی در متون طنز کودکانه پرداخت. چهارچوب‌های نظری در این پژوهش، روش‌های ترجمه پیشنهادی نیومارک (۱۹۸۸) و طبقه‌بندی کلینبرگ (۱۹۸۶) از عناصر فرهنگی بود. نتایج وی نشان داد که خنثی‌سازی، طبیعی‌سازی و معادل فرهنگی بیش از سایر تکنیک‌ها به کار رفته‌اند.

---

1. Chesterman
2. Waddington

در کل، هر یک از این پژوهش‌ها از منظر خاصی به ترجمهٔ عناصر فرهنگی نگریسته‌اند. برای مثال، فخرزاد (۲۰۱۱) به بررسی راهبردهای ترجمه عناصر فرهنگی در دوبله و زیرنویس پویانمایی‌های کودکانه و مقایسهٔ دو شیوهٔ ترجمهٔ دیداری-شنیداری پرداخته است. زورقی‌میر (۲۰۱۴) فقط ترجمهٔ نام‌آواها را در کتابهای کودکانه بررسی کرد، درحالی‌که نام‌آواها تنها بخشی از عناصر فرهنگی هستند. چاجی (۲۰۱۳) نیز ترجمهٔ آثار نویسندهٔ دیگری را براساس مدلهای نظری دیگری پژوهیده است. علاوه بر این، کفّهٔ ترازو در این پژوهشها بیشتر به سمت بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک متمایل است و حال باید دید چنین گرایشی در بافت این پژوهش هم صدق می‌کند یا خیر.

۳. چهارچوب نظری

از نظر نیومارک (۱۹۸۸)، عناصر فرهنگی عبارتند از: ۱. بوم‌شناسی: گیاهان و جانوران، بادها، دشت‌ها، جلگه‌ها؛ ۲. فرهنگ مادی (دست ساخته‌های بشر): خوراک، پوشاک، خانه‌ها و شهرها، وسایل نقلیه؛ ۳. فرهنگ اجتماعی: کار، تفریحات و سرگرمی‌ها؛ ۴. سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی: آداب و رسوم، فعالیتها، رفتارها و اعمال، امور سیاسی-اداری، دین و مذهب، و هنر؛ ۵. حرکات بدنی و عادات: حرکات و سکنات، زبان بدن و عادات رفتاری. آیکسلا (۱۹۹۶) اسامی خاص و اعلام را نیز جزو عناصر فرهنگی می‌داند. درکل به‌نظر وی، ترجمه فرایندی چندبُعدی است که نیازمند توجه به بافت فرهنگی و زبانی هردو زبان مبدأ و مقصد است، بنابراین در مدل خود برای ترجمهٔ عناصر فرهنگی، دو راهبرد کلی را معرفی می‌کند که مبنای دسته‌بندی تکنیک‌های ترجمه هستند: جایگزینی و حفظ. تعریف تکنیک‌های راهبرد «حفظ» به شرح زیر است:

۱. تکرار حفظ عنصر فرهنگی به شکل اصلی و انتقال آن به متن مقصد با کمترین تغییر است که باعث می‌شود عنصر فرهنگی عیناً باقی بماند، هرچند باعث حس بیگانگی مخاطب زبان مقصد شود. کاربرد این تکنیک مستلزم یکسان بودن حروف الفبای دو زبان مبدأ و مقصد است.

۲. ترجمهٔ زبانی (غیرفرهنگی) به معنای انتقال بدون تغییر واژه‌های فرهنگی، به متن مقصد است مانند استفاده از واژه‌های که همچنان به فرهنگ مبدأ تعلق دارند.

۳. شرح برون‌متنی توضیحاتی است که برای روشن‌تر شدن مفاهیم فرهنگی خارج از متن اصلی در پاورقی، یادداشت‌های پایانی یا واژه‌نامه‌ها ارائه می‌شوند.

۴. شرح درون‌متنی توضیحاتی است که در متن اصلی گنجانده می‌شوند به‌گونه‌ای که توجه خواننده را جلب نکنند.

۵. اقتباس املایی نویسه‌گردانی و آوانگاری در زبان مقصد است، آن هم زمانی که زبان مقصد از الفبای متفاوتی استفاده می‌کند.

تعریف تکنیک‌های راهبرد «جایگزینی» به شرح زیر است:

۶. مترادف جایگزینی عنصر فرهنگی با واژه یا عبارت مشابهی است تا مفهوم در زبان مقصد بهتر منتقل شود.

۷. جهانی‌سازی محدود جایگزینی عنصر فرهنگی با ارجاعی از فرهنگ مبدأ است که خاص نبوده و به درک خواننده نزدیک‌تر باشد.

۸. جهانی‌سازی مطلق جایگزینی عنصر فرهنگی با واژه‌ای خنثی و بدون بار فرهنگی است که هیچ مفهومی از فرهنگ مبدأ را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کند و در زبان مقصد قابل‌درک است.

۹. طبیعی‌سازی برای تطابق بهتر با فرهنگ مقصد است و یک عنصر فرهنگی از متن مبدأ با عنصری مشابه از فرهنگ مقصد جایگزین می‌شود تا متن برای خواننده فرهنگی مقصد طبیعی‌تر به نظر برسد.

۱۰. آفرینش خودکار یعنی مترجم ارجاع فرهنگی جدیدی را که در متن مبدا وجود ندارد و درواقع عناصر فرهنگی زبان مقصد است، به متن اضافه می‌کند تا اثر برای مخاطبان، جذاب‌تر باشد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶).

۱۱. حذف عنصر فرهنگی از ترجمه به دلایل مختلف مانند ایدئولوژیکی یا سبکی است.

جدول ۱. راهبردها و تکنیک‌های ترجمه آیکسلا (۱۹۹۶)

حفظ	جایگزینی
تکرار	مترادف
اقتباس املایی	جهانی‌سازی محدود
ترجمه زبانی (غیرفرهنگی)	جهانی‌سازی مطلق
شرح برون‌متنی	طبیعی‌سازی
شرح درون‌متنی	آفرینش خودکار
	حذف

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر کیفی، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شدند. تحقیق درصدد بود که دریابد آیا گرایش به بومی‌سازی و جایگزنی

فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک، در این بافت هم صادق است و این هدف ازخلال شناسایی انواع عناصر فرهنگی در رمان «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» نوشتهٔ دال (۱۹۶۴) و نیز تکنیک‌ها و راهبردهای ترجمهٔ پیشنهادی آیکسلا (۱۹۹۶) به‌کار رفته در انتقال آنها به زبان فارسی در ترجمهٔ جعفری جوزانی (۱۳۷۵) و نیز فراوانی آنها محقق شد. رولد دال (۱۹۱۶-۱۹۹۰)، نویسندهٔ نروژی‌تبار انگلیسی‌زبان، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان ادبیات کودک در قرن بیستم است که آثارش به بسیاری از زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده‌اند، بیش از ۳۰۰ میلیون نسخه از کتاب‌هایش در جهان به فروش رسیده و بسیاری از رمان‌هایش به اقتباس‌های سینمایی تبدیل شده‌اند. با توجه به اهمیت این اثر در ادبیات کودک، بررسی ترجمهٔ آن به فارسی ضرورت دارد. چندین ترجمه از این رمان وجود دارد اما در این پژوهش، ترجمهٔ جعفری جوزانی (۱۳۷۵) بررسی می‌شود که تاکنون موضوع هیچ پژوهشی نبوده است.

داده‌های این پژوهش، ۱۳۵ عنصر فرهنگی شامل اسامی خاص (آیکسلا، ۱۹۹۶) و سایر عناصر طبقه‌بندی نیومارک (۱۹۸۸) است. ابتدا ۳۰۰ عنصر فرهنگی رمان مذکور براساس معیارهای فوق شناسایی شد و بعد به هر عنصر فرهنگی یک شماره منحصربه‌فرد از ۱ تا ۳۰۰ تعلق گرفت و با استفاده از تابع تولید اعداد تصادفی در نرم‌افزار Excel، نمونهٔ نهایی به‌صورت تصادفی انتخاب شد. سپس معادل‌های این عناصر در متن مقصد استخراج و با توجه به تکنیک‌ها و راهبردهای ترجمهٔ آیکسلا (۱۹۹۶) تحلیل شدند. برای بررسی دقت معادل‌ها و صحت تطابق‌های معنایی نیز، از واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌های تخصصی و منابع معتبر اینترنتی استفاده شد. در پایان، درصد به‌کارگیری هر راهبرد و تکنیک در کل نمونه‌ها محاسبه شد.

۵. یافته‌ها

پژوهش حاضر به بررسی موردی ترجمهٔ عناصر فرهنگی ادبیات کودک، در بافت ترجمهٔ جعفری جوزانی (۱۳۷۵) از رمان «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» می‌پردازد تا دریابد آیا بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک، در این بافت هم تأیید می‌شود. با این هدف، جدول ۲ نمونه‌هایی از به‌کارگیری تکنیک‌ها و راهبردهای ترجمه براساس مدل آیکسلا (۱۹۹۶) را نشان می‌دهد. در جدول ۳ نیز، انواع تکنیک‌های ترجمه به‌همراه درصد استفاده از آن‌ها در کل داده‌ها ارئه شده است.

جدول۲. نمونه‌هایی از هر تکنیک مدل آیکسلا (۱۹۹۶) در ترجمهٔ همهٔ انواع عناصر فرهنگی

تکنیک ترجمه	راهبرد ترجمه	عنصر فرهنگی	نوع عنصر فرهنگی	ترجمهٔ آن	تحلیل
ترجمه زبانی (غیرفرهنگی)	حفظ	*weeping willow* (p. 70)	بوم‌شناسی	*بید مجنون* (ص ۷۶)	در فرهنگ لغت به این معنا است.
اقتباس املایی	حفظ	'There's *Violet Beauregarde*!' (p. 60).	اسم خاص	او *ویولت بورگارد* است. (ص ۶۷)	در ترجمه، نام شخصیت حفظ و با شیوهٔ آوایی منتقل شده است.
شرح درون متنی	جایگزینی	(just like a *jigsaw puzzle*). (p. 124)	فرهنگ مادی	(درست مثل *بازی‌هایی که باید قطعات یک عکس را درست در کنار هم بچینید.*) (ص ۱۳۳)	نوعی بازی در فرهنگ غرب که در آن، قطعات کوچک یک تصویر باید کنار هم قرار گیرند تا تصویر کامل شکل بگیرد. با توضیحی ساده بیان شده است.
شرح برون متنی	جایگزینی	*"apple pies"* (p. 47)	فرهنگ مادی	*پای سیب* **پاورقی**: پای سیب نوعی شیرینی است که معمولاً تازه و داغ آن خوشمزه‌تر است (ص ۵۳)	پیش‌غذایی در فرهنگ غذایی غرب است و برای درک بهتر مخاطب فارسی-زبان، توضیحی مختصر در پاورقی آمده است.
مترادف	جایگزینی	"*what a racket they kicked up.*" (p. 43)	فرهنگ اجتماعی	*چه قشقرقی به پا می-کردند.* (ص۴۶)	تکنیک مترادف، بار فرهنگی را منتقل و لحن جمله را حفظ کرده است.

جهانی‌سازی محدود	جایگزینی	*'Hallelujah!'* yelled Grandpa Joe. *'Praise the Lord!'* (p. 59)	سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی	پدربزرگ جو داد زد: *خدایا شکرت! خدایا شکرت!* (ص ۶۵)	در داستان، در واکنش به یک اتفاق بسیار خوشحال‌کننده بیان شده‌اند و جنبهٔ نیایشی و احساسی دارند. در ترجمه، از معادلی آشنا در فرهنگ مقصد بهره گرفته شده است.
جهانی‌سازی مطلق	جایگزینی	"Another bad lot, *I'll be bound*," (p. 43)	فرهنگ اجتماعی	*حتماً* یک بچه بد دیگر. (ص ۴۶)	یک عبارت محاوره‌ای قدیمی در انگلیسی بریتانیایی است برای ابراز اطمینان از صحت یک پیش‌بینی یا قضاوت. معادل فارسی از نظر لحن، سبک و بار فرهنگی خنثی و جهان‌شمول است و ویژگی‌های فرهنگی عبارت انگلیسی حذف شده‌اند.
طبیعی‌سازی	جایگزینی	'He'll be made *marshmallows'* (P. 78)	فرهنگ مادی	تبدیل به *بستنی زمستانی* میشه (ص ۸۶)	نوعی شیرینی در فرهنگ غرب است و برای تطبیق ویژگی‌های فرهنگی زبان مبدأ با فرهنگ مخاطب، به‌جای ترجمهٔ تحت اللفظی، به مفهومی ملموس

					در فرهنگ مقصد تبدیل شده است.
حذف	جایگزینی	"strange iron machines were clanking and *spluttering*." (P. 89)	فرهنگ مادی	ماشینهای آهنی عجیب ترق‌تروق می‌کردند (ص ۹۸)	برای *صدای پت‌پت کردن*، معادلی ارائه نشده است.
آفرینش خودکار	جایگزینی	And *presto*!" (p. 124)	حرکات بدنی و عادات	*و اجی مجی، لاترجی*! (ص ۱۳۴)	نوعی صدای اعلام اجرای ترفند است و تداعی‌کنندهٔ ناگهانی بودن، شگفتی و جلوهٔ جادویی. معادل واژه-به‌واژه‌ای در فارسی برای آن وجود ندارد اما همان کارکرد فرهنگی را بازآفرینی شده و معادل فارسی زاییدهٔ خلاقیت مترجم است.

جدول ۳. درصد تکنیک‌های ترجمهٔ همهٔ عناصر فرهنگی

	ترجمه زبانی	اقتباس املایی	شرح درون متنی	شرح برون متنی	مترادف‌سازی	جهانی-سازی محدود	جهانی-سازی مطلق	طبیعی‌سازی	حذف	آفرینش خودکار
همهٔ عناصر فرهنگی	٪۴۹/۶۲	٪۵/۹۲	٪۲/۹۶	٪۰/۷۴	٪۱۳/۳۳	٪۵/۹۲	٪۰/۷۴	٪۱۱/۱۱	٪۳/۷۰	٪۵/۱۸

جدول ۴ نیز درصد به‌کارگیری هر تکنیک ترجمه در هر دسته از عناصر فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. این پژوهش درصدد بود بررسی کند که آیا تمایل به بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ترجمهٔ ادبیات کودک، در این بافت هم صادق است. درکل مشخص شد که راهبرد جایگزینی ۴۰/۷۴٪ و راهبرد حفظ ۵۹/۲۵٪ به‌کار رفته است و پیش‌فرض، این مترجم گرایش به بومی‌سازی نبوده است.

جدول ۴. درصد تکنیک‌های ترجمه در دسته‌های مختلف عناصر فرهنگی

	ترجمه زبانی	طبیعی‌سازی	اقتباس املایی	مترادف	آفرینش خودکار	حذف	جهانی سازی محدود	جهانی سازی مطلق	شرح درون متنی	شرح برون متنی
بوم شناسی	٪۵۵	٪۵	٪۱۰	٪۱۰	٪۱۵				٪۵	
فرهنگ مادی	۵۴٪/۲۸	۸٪/۵۷	۲٪/۸۵	۵٪/۷۱	۲٪/۸۵	۲٪/۸۵	٪۱۷/۱۴		۲٪/۸۵	۲٪/۸۵
فرهنگ اجتماعی	٪۴۱/۹۳	٪۲۲/۵۸		٪۱۹/۳۵		٪ ۳/۲۲	٪ ۳/۲۲	۳/۲ ٪	٪۶/۴۵	
سازمانها و نهادهای اجتماعی	٪۷۳/۳۳	٪۱۳/۳۳		٪۶/۶۶			٪۶/۶۶			
حرکات بدنی و عادات	٪۴۳/۴۷	٪ ۸/۶۹		٪ ۳۰/۴	٪ ۴/۳۴	٪۱۳/۰۴				
اسامی خاص	٪۲۷/۲۷		٪۴۵/۴۵		٪۱۸/۱۸		٪۹/۰۹			

۶. بحث و بررسی

در حوزهٔ فراوانی تکنیک‌ها و راهبردهای ترجمه براساس دسته‌بندی آیکسلا (۱۹۹۶) در ترجمهٔ همه انواع عناصر فرهنگی، نتایج حاکی از آن بود که مترجم بیشترین استفاده را از تکنیک

ترجمه زبانی (۴۹/۶۲٪) داشته که بیانگر رویکرد غالب وی در وفاداری به متن اصلی و عدم‌استفاده از بومی‌سازی یا جایگزینی فرهنگی است. گرایش بیشتر به ترجمهٔ زبانی نشان می‌دهد که مترجم رویکرد بیگانه‌سازی (ونوتی، ۱۹۹۵) را به عناصر فرهنگی اتخاذ کرده که همراستا با دیدگاه اُسالیوان[1] (۲۰۰۵) است مبنی‌براینکه ادبیات کودک دریچه‌ای به فرهنگ‌های دیگر است. به عبارت دیگر، این فرض که مترجمان ادبیات کودک بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی می‌کنند، در همهٔ بافتها صدق نمی‌کند. البته اُسالیوان (۲۰۰۵) دربارهٔ بیگانه‌سازی مفرط هشدار داده‌است و در این تحقیق شاهدیم که مترجم حدوداً ۴۰٪ به جایگزینی هم متوسّل شده است. دیگر تمایل مترجم عبارت است از مترادف (۱۳٪/۳۳) و طبیعی‌سازی (۱۱٪/۱۱) که نمایانگر سازوکاری جبرانی در رویکرد کلی مترجم یعنی بیگانه‌سازی است. وی صرفاً هنگام مواجهه با عناصر فرهنگی که شاید درکشان دشوار باشد، به بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی روی آورده است.

جهانی‌سازی محدود (۵/۹۲٪) و مطلق (۰٪/۷۴) نیز در حدمتوسط به کار رفته است که بیانگر تلاش مترجم برای ساده‌سازی و قابل‌فهم‌ترکردن برخی عناصر برای کودکان است. در مقابل، کاربرد تکنیکهایی چون شرح درون‌متنی (۲٪/۹۶) و شرح برون‌متنی (۰٪/۷۴) بسیار محدود بوده‌اند، زیرا افزودن پانویس‌ها آهنگ روایت کودکانه و خواندن را مختل و توضیحات طولانی درون‌متنی، متن را کسالت‌بار می‌کند. هرگونه توضیح یا تغییر گسترده در در ادبیات کودک، می‌تواند مانع درک و لذت خواندن شود. درمقابل، پرکاربردبودن ترجمهٔ زبانی، مترادف و طبیعی‌سازی را می‌توان نتیجهٔ همان ویژگیها دانست، زیرا مترجم به دنبال راه‌حل‌هایی در متن بوده‌است. این رویکرد علاوه بر انتقال نسبی بار فرهنگی متن مبدأ، چه‌بسا خوانایی و انسجام بیشتری در متن مقصد ایجاد کند و با نیازهای مخاطب کودک سازگارتر باشد (اُسالیوان، ۲۰۰۵).

دربارهٔ فراوانی هر تکنیک ترجمه در هر نوع عنصر فرهنگی، می‌توان گفت که در بوم‌شناسی، تکنیک غالب ترجمهٔ زبانی (۵۵٪) است، چراکه این عناصر اغلب در فرهنگ مقصد قابل‌درک یا در بافت داستان قابل‌حدس‌زدن هستند و بسیاری از مفاهیم زیست‌محیطی را می‌توان بدون تغییر عمده به زبان مقصد منتقل کرد. در فرهنگ مادی نیز، تکنیک غالب ترجمهٔ زبانی (۵۴٪) و پس از آن جهانی‌سازی محدود (۱۷٪) است؛ نمایانگر اینکه اشیاء ملموس قابل‌وصف‌اند، اما نیاز به تطبیق دارند. مترجم در مواجهه با اشیاء یا خوراکی‌های خاص فرهنگ مبدأ و برای جلوگیری از ابهام، به جایگزینی محدود یا استفاده از واژه‌های آشناتر روی آورده است. در فرهنگ

1. O'Sullivan

اجتماعی، تکنیک غالب ترجمه زبانی (٪۴۱) و پس از آن طبیعی‌سازی (٪۲۳) است که نشان می‌دهد آداب و رسوم نیاز به آشناسازی دارند، چراکه احتمال سوءتفاهم فرهنگی در این حوزه بالاست. در ترجمهٔ سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، ترجمه زبانی (٪۷۳/۳۳) و تا حدی طبیعی‌سازی (٪۱۳/۳۳) غالب هستند. این امر نشان می‌دهد که بار فرهنگی این عناصر حفظ شده و تنها در موارد ضروری بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی به‌کار رفته است. در حرکات بدنی و عادات، ترجمه زبانی (٪۴۳/۴۷) و مترادف‌سازی (٪۳۰/۴۳) هر دو بسامد قابل‌توجهی دارند و نشان‌دهندهٔ رویکرد دوگانهٔ مترجم است: غالباً حفظ و به‌ندرت جایگزینی، بسته به میزان بیگانگی رفتار یا حرکت بدنی مورد نظر برای مخاطب فارسی‌زبان. در اسامی خاص، تکنیک غالب اقتباس املایی (٪۴۵) است که نشان می‌دهد نام‌ها هویت‌بخش‌اند و باید حفظ شوند. درکل، الگوی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بافت و نوع عنصر فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب تکنیک ترجمه دارد. این یافته همچنین نشان می‌دهدکه اگرچه مدل آیکسلا (۱۹۹۶) دو راهبرد حفظ و جایگزینی را معرفی می‌کند، اما انعطاف‌پذیرتر از آن است که دو قطب متضاد باشد. این راهبردها طیفی پیوسته و انعطاف‌پذیر دارند و مترجم می‌تواند بسته به عنصر فرهنگی، بین این دو در حرکت باشد.

درمورد هدف غایی تحقیق باید گفت که مترجم در ترجمهٔ همهٔ عناصر فرهنگی، ٪۵۹/۲۵ از راهبرد حفظ و ٪۴۰/۷۴ از راهبرد جایگزینی استفاده کرده است. این توزیع بیان‌گر آن است که رویکردِ انعطاف‌پذیر مترجم، عدم‌پایبندی بی‌قیدوشرط به حفظ یا جایگزینی بوده است. انتخاب راهبرد حفظ به‌ویژه در متون کودکانه نشان‌دهندهٔ تمایل مترجم به معرفی فضای اصیل و بی‌واسطه فرهنگ مبدأ است. بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که یافته‌ها در این بافت نشان می‌دهد که فرض ناتوانی کودک از درک فرهنگ مقصد نیاز به بازنگری دارد. این نتیجه بار دیگر مؤید رویکرد اُسالیوان (۲۰۰۵) و نیکولایوا (۱۹۹۶) است که ادبیات کودک دریچه‌ای به فرهنگ‌های دیگر و ذاتاً فرامرزی و فرافرهنگی است. همچنین مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج مبنی بر غلبهٔ بومی‌سازی و جایگزنی فرهنگی در ادبیات کودک (بهرمند، ۲۰۲۰؛ حیدری سورشجانی، ۲۰۱۴؛ خالقی زواره، ۲۰۲۱؛ صفاری، ۲۰۱۲؛ طاهری،۲۰۲۰؛ عابد، ۲۰۱۷؛ و کریم‌نیا و حیدری قشلاق،۲۰۲۰)، حفظ عناصر فرهنگی نیز امکان دارد، مشروط بر آنکه با مداخلاتی محدود و هدفمند برای حفظ فهم‌پذیری همراه شود. این موضوع جایگاه یافته‌های پژوهش کنونی را در امتداد پژوهش‌های پیشین روشن‌تر می‌سازد.

۷. نتیجه‌گیری

به‌طورکلی، مترجم با استفاده از راهبرد حفظ تلاش کرده عناصر فرهنگی را با کمترین تغییر به زبان مقصد منتقل کند. به‌عبارتی، در ترجمهٔ عناصر بوم‌شناختی و فرهنگ مادی بیشتر به حفظ گرایش داشته اما درکنار آن ترجمهٔ عناصر فرهنگی اجتماعی اندکی نیز به جایگزینی روی آورده است. این یافته‌ها مؤید آن است که انتخاب تکنیک‌های ترجمه وابسته به ماهیّت عنصر فرهنگی و سطح آشنایی مخاطب با آن بوده است و همان‌گونه که آیکسلا (۱۹۹۶) و نیومارک (۱۹۸۸) مطرح کرده‌اند، عناصر فرهنگی در ادبیات کودک بخش مهمی از هویت متن مبدأ هستند و ترجمهٔ آنها مستلزم موازنه‌ای میان حفظ اصالت فرهنگی و درک مخاطب کودک در زبان مقصد است. شاید بتوان گفت که استفادهٔ غالب از ترجمهٔ زبانی حاکی از یک فرض عملیاتی است که کودکان می‌توانند مفاهیم بیگانه را درک کنند و اولویت مترجم قرارگرفتن آنان درمعرض فرهنگ مبدأ است؛ نگرشی که با رویکرد غیرقیّم‌مأبانهٔ ترجمهٔ ادبیات کودک همسوست (اُسالیوان، ۲۰۰۵). از نظر کاربرد، نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمای مترجمان ادبیات کودک باشد تا در انتخاب میان حفظ و جایگزینی، رویکردی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر نوع عنصر فرهنگی اتخاذ کنند. همچنین، مدرسان و دانشجویان ترجمه می‌توانند از این یافته‌ها به‌عنوان نمونه‌ای تجربی برای درک کارکرد تکنیک‌ها و راهبردهای ترجمه استفاده کنند. در پایان لازم به ذکر است که مانند سایر پژوهشها، این تحقیق هم با محدودیت‌هایی مواجه است و مهمترین آنها، عدم امکان تحلیل انتخاب‌های شخصی مترجم در این تحقیق است. تصمیمات مترجم تحت تأثیر پیشینهٔ فرهنگی، تجربه‌های شخصی و نظرات فردی او است. این پژوهش صرفاً بر اساس متون مبدأ و مقصد به تحلیل راهبردها پرداخته و نمی‌تواند باقطعیت انگیزه‌ها، اولویت‌ها و ملاحظات شخصی مترجم را نمایان کند. دیگر محدودیت، تعداد نمونه‌های موردبررسی است که درنتیجهٔ آن، نتایج تحقیق نمی‌تواند نمایانگر جامع رویکرد مترجم به ترجمهٔ تمامی عناصر فرهنگی رمان باشد. محدودیت سوم، تمرکز بر یک مترجم و یک رمان است. پژوهش‌های آتی می‌توانند با مقایسه چند مترجم از یک رمان، یا چند رمان از یک مترجم، پایایی الگوهای یافته‌شده را بیازمایند. باوجود این محدودیت‌ها، پژوهش حاضر تلاش کرده است فراتر از صِرف کاربرد یک مدل در یک متن جدید عمل کند. غلبهٔ راهبرد حفظ، این فرضیه را مطرح می‌کند که بافت فانتزی چه‌بسا درک عناصر بیگانه را تسهیل کند؛ فرضیه‌ای که در پژوهش‌های آتی باید سنجید. درمجموع، تکرار در سطح متن، اگر با چالش در سطح نظریه همراه باشد، می‌تواند به خلق دانش جدید منجر شود. تفاوت نتایج این پژوهش با برخی مطالعات پیشین، نه یک تناقض، بلکه نشانه‌ای از تأثیر متغیرهای بافتی بر انتخاب

راهبردهای ترجمه است و می‌تواند سرآغازی برای پژوهش‌های آتی برای کشف متغیرهای میانجی باشد. همچنین انجام پژوهش‌هایی که شامل مصاحبه با مترجمان نیز باشد، می‌تواند درک عمیق‌تری از فرایند تصمیم‌گیری مترجمان ادبیات کودک فراهم آورد. علاوه براین، از آنجاکه این پژوهش درمورد ادبیات فانتری کودکان است، پژوهشهای آتی می‌توانند به ادبیات واقع‌گرای کودکان بپردازند.

۸. منابع

دال، رولد. (۱۳۷۵). *چارلی و کارخانه شکلات‌سازی* (ف. جعفری جوزانی، مترجم). تهران: روشنگران و مطالعات زنان. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۴).

هاشمی میناباد، حسن. (۱۳۹۶). ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲): فنون و راهبردها، تکنیکها و تاکتیکها. *فصلنامه نقد کتاب*، ۳(۱۲)، ۲۴۷–۲۶۸.

Abed, M. (2017). *Transmission of cultural items in the translation of children's literature: A descriptive analysis of Roald Dahl's Matilda and its Persian translation* [Master's thesis, Islamic Azad University of Bandar Abbas].

Aixela, J. F. (1996). Culture-specific items in translation. R. Alvarez & M. Carmen-Africa Vidal (Ed.). *Translation, power, subversion* (pp. 52–78). Multilingual Maters.

Anderson, N. (2006). *Elementary children's literature*. Pearson.

Bahremand, A. (2020). Translation strategies in English to Persian of children's literature based on Klingberg's model. *Journal of Language and Translation, 10*(3), 145–155. http://doi.org/10.30495/TTLT.2020.678758

Bastin, G. (2005). Adaptation. In *Routledge encyclopedia of Translation Studies* (pp.5-8). Routledge.

Chaji, Z. (2013). *A study of attitudes toward translation of children's literature based on Shel Silverstein's works* [Master's thesis, Birjand University].

Dahl, R. (1964). *Charlie and the chocolate factory*. Alfred A. Knopf.

Fakhrzad, M. (2011). *The most frequent strategies used for translating CSIs in dubbing and subtitling of children's cartoons: A comparative study* [Master's thesis, Allameh Tabataba'i University].

Frank, H. T. (2007). Translation as mediation between cultures. In H. T. Frank (Ed.), *Cultural encounters in translated children's literature: Images of Australia in french translation* (pp. 8–20). St. Jerome.

Heidari Sooreshjani, A. (2014). *Social norms and constraints in translating children's novels from English into Persian* [Master's thesis, Sheikh Bahai University].

Karimnia, A., & Heydari Gheshlagh, N. (2020). Investigating culture-specific items in Roald Dahl's "Charlie and the Chocolate Factory" based on Newmark's model. *International Journal of Research in English Education, 5*(2), 1–12. http://doi.org/10.29252/ijree.5.2.1

Khaleghi Zavareh, N. (2021) Translation of culture-specific items from English into Persian: A case study of the Secret Garden. *Journal of Language and Translation Research, 1*(3), 15–38. http://doi:10.12906/978389966737-002

Klingberg, G. (2008). *Facets of children's literature research: Collected and revised writings*. Swedish Institute for Children's Books.

Knowles. M., & Malmkjær, K. (1996). *Language and Control in Children's Literature.* Routlege.

Lathey, G. (2016). *Translating children's literature* (2nd ed.). Routledge.

Molina, L., & Hurtado Albir, A. (2002). Translation techniques revisited: A dynamic and functionalist approach. *Meta: Translators' Journal, 47*(4), 498–512. https://doi.org/10.7202/008033ar

Norton, D., & Norton, S. (2010). *Through the Eyes of a Child: An Introduction to children's literature* (8th ed.). Pearson Education.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. Prentice Hall.

Nikolajeva, M. (1996). *Children's literature comes of age: Toward a new aesthetic.* Garland Publishing.

Oittinen, R. (2000). *Translating for children*. Garland Publishing.

O'Sullivan, E. (2005). *Comparative children's literature.* Routledge.

Saffari. M. (2012). *Strategies Which Applied by Translation of Culture-Specific Items in Humorous Literary Taxts for Children* [Master's thesis, Kharazmi University].

Taheri, B. (2020). *Syntactic, Semantic, and Pragmatic Strategies in the Translation of Children's Literature Based on Skopos Theory: A case Study of Rold Dahl's Works* [Master thesis, Birjand University].

Venuti, L. (1995). *The translator's invisibility: A history of translation*. Routledge.

Vinay, J. P., & Darbelnet, J. (1995). *Comparative stylistics of French and English: A methodology for translation* (J. C. Sager & M. J. Hamel, Trans.). John Benjamins. (Original work published 1958).

Waddington, C. (2001). Diffrent Methods of Evaluation Student Translation. *Meta, 46* (2), 317–329.

Zoraghi Mir, A. (2014). *Onomatopoeic Expressions in the Persian Translation of Children's Literature: The Case of Silverstein's Works: Lafcadio, A Light in the Attic and Where the Sidewalk Ends*. (Master's thesis, Sheikhbahaee University).